

دیتر. اس لوتز

## آیا جنگ جهانی به رغم خواست ما روی خواهد داد؟

نیروهایی که برای مأموریت‌های اروپایی در نظر گرفته شده‌اند:

۱. شوروی از عدم تفوق تا برتری و تسلط
۲. پیش شرط مقایسه نیروها: تعریف سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی و نیروهای هسته‌ای حاضر در اروپا
۳. فهرست «موشک‌های اروپایی» موجود
۴. اقداماتی جهت نوین‌سازی
- (ب) مناسبات قدرت در حیطه «موشک‌های اروپایی»
۵. مقایسه کمی نیروها
۶. مقایسه نیروها براساس پارامترهای کیفی
۷. تحلیل سناریویی: بخش اول
- مقایسه ضد نیرو/ ضد ارزش: چه مقدار سلاح کافی است؟ (فرضیه‌ها و عوامل)
۸. تحلیل سناریویی: بخش دوم
- مقایسه ضد نیرو/ ضد نیرو: آنچه که اولین مرحله ضربه هسته‌ای را از نظر استراتژی یکی تعیین می‌کند.
۹. جنگ هسته‌ای در اروپا، برای اروپا
۱۰. آینده کنترل تسلیحات و موشک‌های اروپایی

ظاهراً تصمیم ناتو به دنبال تحلیلها و

این کتاب در چارچوب «تحقیق در زمینه صلح» در آلمان نوشته شده و موضوع محوری آن تصمیم پیمان ناتو درباره گسترش «موشک‌های اروپایی»، یعنی پرشینگ ۲ و موشک‌های کروز است که در دسامبر ۱۹۷۹ اتخاذ شده است (موشک‌های بُرد متوسط که قادرند از اروپا به خاک شوروی نفوذ کنند و در دسامبر ۱۹۷۹ ساخت تعداد ۵۷۲ عدد آن توسط ناتو تصویب شد). نویسنده با تحلیل از این مسئله می‌کوشد به دو سؤال زیر پاسخ دهد:

۱. آیا پیمان ورشو با داشتن موشک‌های S.S.20، برتری خطرناکی در زمینه «سلاح‌های هسته‌ای در اروپا» دارد؟ به طوری که تصمیم ناتو در زمینه گسترش موشک‌های پرشینگ ۲ و کروز را الزامی گرداند؟
  ۲. آیا افزایش تعداد موشک‌های اروپایی از سوی دو اردوگاه شرق و غرب به نفع ثبات و امنیت استراتژی یکی در اروپاست؟
- نویسنده ضمن پاسخگویی به این دو سؤال، به خطر جنگ «هسته‌ای در اروپا» و امکانات پیشگیری از آن، می‌پردازد و جهت پاسخگویی به این مسائل، مباحث زیر را در کتاب خود مطرح می‌کند:

الف) نیروهای هسته‌ای مستقر در اروپا و یا

محتمل می‌سازد.

به اعتقاد نویسنده، جنگ جهانی سوم در دو جبهه تدارک دیده می‌شود: در اروپا، که الزاماً هسته‌ای نخواهد بود و در جهان سوم، که الزاماً غیرهسته‌ای نخواهد بود. از نظر او نکته قابل توجه در این مورد این است که مذاکرات سالت دیگر دنبال نمی‌شود و تا جایی پیش رفته‌ایم که می‌بینیم دولت «ریگان» می‌کوشد تا سلاح‌های کنترل (Arme Control) را به نفع تسلیح مجدد در ابعاد بسیار سیستماتیک از میان بردارد و هزینه‌های نظامی را در جهان به طور مطلق و نسبی افزایش دهد و از این راه فعالانه جنگ را تهیه و تدارک ببیند.

افزایش تعداد سلاحها و یا تولید سلاحهای جدید، در راه جلوگیری از جنگ نیست زیرا به منظور ثبات استراتژی یکی و بنابراین به عنوان اقدامی در راه پیشگیری از جنگ نمی‌تواند مطرح باشد بلکه عملیاتی محرمانه برای به راه انداختن جنگ است.

گسترش موشکهای پرشینگ ۲، آخرین مرحله از اولین ضربه خلع سلاح کننده آمریکا علیه شوروی، از طریق محونا گهانی تمامی نظام فرماندهی، کنترلی و ارتباطی آن در اروپای غربی است. چیزی که پامسوخ شوروی را، که اساساً از زمین خواهد بود، فلج می‌کند.

از نظر نویسنده استقرار ثبات استراتژی یکی حاصل نمی‌شود مگر از طریق چشم‌پوشی یکی از دو اردوگاه از داشتن سیستمهای خلع سلاح کننده و آنگونه سلاحهای هسته‌ای که قادرند اولین ضربه را وارد آورند. این تنها راهی است که در کوتاه‌مدت امنیت طرفین و نیز طرفی که از داشتن این سلاحها خودداری خواهد کرد را حفظ می‌نماید. چنین ابتکاری باید از طرف

استدلالاتی در زمینه برتری شوروی اتخاذ شده است، اما نویسنده با اشاره به این مطلب که برآوردهای کمی در زمینه سنا سبات قدرت، به خاطر در نظر نگرفتن قابلیت‌های کیفی و «سناریوهای استعمال» سلاحهای کنونی دقیق نیستند، تصمیم گسترش تعداد موشکهای پرشینگ ۲ و کروزر را با تکیه بر به اصطلاح «عدم تعادلی» که مقامات آمریکایی می‌گویند یا بدان اعتقاد دارند - موجه نمی‌داند. از نظر خبرگان آلمانی نیز تصمیم ناتو مبنی بر گسترش این موشکها از نظر تعادل استراتژی یکی بی‌معناست و نتیجتاً موجب مسابقه تسلیحاتی قاره‌ای می‌شود.

اظهارات مقامات آمریکایی نظیر «واین برگر»، ژنرال «راجرز» و سایرین در مورد تهدید به جنگ در جهان سوم و سایر نقاط، در واقع نشانه‌دهنده برتری هسته‌ای استراتژی یکی و سطح عملیاتی کلاسیک و دیگر سطوح نظامی آمریکا است و بنابراین استدلالات مطرحه در زمینه برتری شوروی صحت ندارد.

در گزارشی که در سال ۱۹۷۵ تهیه شده، آمده است که آمریکا از سال ۱۹۸۳ وارد مرحله برتری مطلق نسبت به شوروی خواهد شد. این برتری آمریکا که در مرحله هشدار نسبت به عدم تفوق آمریکا پنهان مانده بود، جهت بهره‌برداریهای اقتصادی و سیاسی دقیق از شرایط جهانی نمایان خواهد شد.

نویسنده ضمن مطالعه سناریوهای مختلف حمله شوروی به اروپا، این نکته را مطرح می‌کند که خصوصیات تکنیکی سلاحهای جدید اتمی، احتمال آغاز جنگی هسته‌ای را «به منظور پیشگیری» (از حمله شوروی) از طرف این و یا آن اردوگاه در اروپا بیش از پیش

طرف دیگر شود. اقدامات طرفین هر دو موجب به خطر انداختن مجموعه سیستم امنیتی می شود. طرفی که نمی خواهد خود را در معرض خطر بی ثبات کردن ببیند (که از سوی طرف دیگری اتخاذ شده)، بهتر است به جای عکس العمل متقابل، با توجه به منابع خاص عمل نماید. در اینجا دیگر خلع سلاح یک طرف مطرح نخواهد شد، بلکه مسئله، چشم‌پوشی از برتری است.

کشورهای مطروح شود که در صورت بروز جنگ، صحنه نبرد اتمی خواهند بود. مانند آلمان فدرال که بیشتر از سایر کشورها در معرض خطر بروز جنگ است و قسمت اعظم سلاحهای هسته ای اروپا در آن متمرکز است.

به عنوان نتیجه گیری باید گفت زمانی که یکی از طرفین اقداماتی در جهت تسلیح به سلاحهای بی ثبات کننده می گیرد، این تصمیم نمی تواند مانع از عکس العمل بی ثبات کننده



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی